

تأثیر تحولات سیاسی - اجتماعی بر تعریف خود و دیگری در اشعار و نقاشی‌های نمادین نیما یوشیج (بر پایه نظریه باختین)

چکیده

در عصر مشروطه گسترش مراودات فرهنگی با کشورهای اروپایی از یک‌سو، و تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی در سطح جامعه از سوی دیگر، موجب آشنایی بیشتر ایرانیان با ادبیات مدرن روز جهان شد و به تبع آن ادبیات فارسی به‌ویژه در شعر، چه در محتوا و مضمون، و چه در شکل و فرم دچار دگرگونی اساسی گردید. اگرچه تغییر در مضمون و محتوا و وارد شدن مضامین تازه‌ای مانند: زن، آزادی، مساوات و برابری؛ هم‌نوایی شعر با اتفاقات سیاسی اجتماعی قبل از نیما صورت گرفت اما قالب‌شکنی شعر سنتی و جریان‌سازی و ابداع و خلق شعر نو یا شعر نیمایی با نیما یوشیج بود. نیما ارزش‌های عام انسانی را اصل قرار می‌دهد و با زبان رمزگونه خود گفت‌وگومحوری را در شعرهایش به‌ویژه شعرهای بلندی مانند: خانه‌ی سریویلی، خانواده‌ی سرباز، مانلی، و پی دار و چوپان به تصویر می‌کشد. از آنجاکه میخاییل باختین و اندیشمند و نظریه‌پرداز روس اولین بار نظریه چندصدایی و گفت‌وگومندی را در مقابل تک‌صدایی مطرح کرد، این پژوهش بر آن است که تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران را بر تعریف «خود و دیگری» در زبان نمادین شعار نیما و نقاشی از آثار او با تکیه بر نظریه گفت‌وگومندی میخاییل باختین مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تأثیر تغییر و تحولات سیاسی - اجتماعی بر تعریف «خود و دیگری» در اشعار نمادین نیما یوشیج.
۲. بررسی تصویرگری نمادین از اشعار نیما یوشیج.

سؤالات پژوهش:

۱. تأثیر تغییر و تحولات سیاسی - اجتماعی بر تعریف «خود و دیگری» در اشعار نیما یوشیج چگونه می‌باشد؟
۲. اشعار نمادین نیما یوشیج چه بازتابی در نقاشی‌های نمادین یافته است؟

کلیدواژه‌ها: نیما، نماد، خود، دیگری، باختین.

مقدمه

با انقلاب مشروطه فصل جدید و اتفاق تازه‌ای در هنر و نظم و نثر فارسی رقم می‌خورد که امروزه از آن با نام ادبیات مشروطه یاد می‌شود؛ از نظر مضمون و محتوا و قالب و فرم با آنچه ما به‌عنوان ادبیات کلاسیک می‌شناسیم اختلاف ماهوی دارد. آشنایی ایرانیان با تمدن نوین اگرچه از زمان شاهان قاجار مانند فتحعلی‌شاه به‌واسطه سفرهای پیش‌آمده به فرنگ و اعزام و تحصیل دانشجویان در ممالک اروپایی شکل گرفت و با به قدرت رسیدن ناصرالدین‌شاه و صدراعظم فرهیخته و فرهنگ‌دوست او امیرکبیر شدت بیشتری یافت و زمینه رخدادهای جدیدی همچون چاپ و نشر و ترجمه آثار غربی را فراهم کرد؛ اما این انقلاب مشروطه بود که بنیان‌های ادبی سنتی را دچار تغییر و تحول عظیمی کرد و متأثر از ادبیات مدرنیسم اروپایی، ابتدا به جهت مضمون و محتوا از دربار شاهان خارج شد و به میان لایه‌های مردم راه یافت و وسیله‌ای برای ابراز غلیانات و احساسات ملی و شیوه‌ای برای بیان انتقادهای سیاسی اجتماعی به وضع موجود شد و شاعران و نویسندگان دوره مشروطه، برخلاف رویه پیشین که مداحی دربار بود، دغدغه رنج و مشکلات مردم را پیدا کردند و این را در آثارشان بروز دادند و برای آزادی و روشنگری مردم کوشیدند، و سپس اهتمام کردند که این امر مهم، با سادگی تمام و به‌دور از مصنوع و متکلف‌نویسی، تعقیدهای لفظی و معنوی و بی‌توجهی به هنرنمایی‌های مرسوم صنایع ادبی و شعری چون صورخیال و ... باشد تا از این راه بتوانند موجبات جذب بیشتر مخاطبان را از همه اقشار جامعه فراهم سازند و آثارشان مقبول عامه مردم افتد که از این حیث موفق هم شدند. هرچند که هضم این مسئله و گذر از ادبیات کلاسیک به ادبیات مدرن برای برخی از شاعران و نویسندگانی که دلبسته و وابسته این نوع ادبی بودند به‌سادگی نبود و مقاومت بخشی از آنان را به‌دنبال داشت و آنان همچنان علاقه‌مند به ادبیات قدیم و سبک بازگشت ادبی بودند و البته نتوانستند خللی در این گذر ایجاد کنند و سرانجام مجبور به همراهی شدند.

به سخن دیگر، عمده تغییر و تحول در دوره مشروطه در حوزه ادبیات که به یک معنا «ادبیات بیداری» خوانده می‌شود از حیث زبان و محتوا و مضمون اتفاق افتاد و زمینه‌ساز پیوند میان اجتماع، ادبیات و سیاست شد. شعر و ادبیات مشروطه با وجود گرایش به سادگی و تغییر مضمون اما همچنان قالب سنتی خود را حفظ کرده بود. با ورود نیما یوشیج در سال‌های پس از انقلاب مشروطه به عرصه شعر فارسی، با توجه به بستر و مقدماتی که پیش از این با تغییر مضمون و محتوای شعری، مهیا شده بود و آشنایی که نیما از قبل با زبان و ادبیات فرانسه و دستاوردهای ادبی نوین غربی داشت. عبور از شکل، فرم و قالب‌های سنتی شعری به‌دست نیما یوشیج رقم خورد و شیوه و سبکی جدید را از لحاظ قالب شعری بنیان نهاد که بعدها با نام شعر «نیمایی» یا «شعر نو» مشهور شد که بیان آرمان مشروطه‌خواهان و دغدغه‌مندان آزادی را به‌وسیله شعر تسهیل کرد و شعر نوین فارسی در خدمت ادبیات بیداری قرار گرفت. اگرچه تبلور اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره‌ای که نیما در آن می‌زیسته به‌صورت مستقیم در اشعارش یافت نمی‌شود و کم‌تر شعری را می‌توان یافت که بر پایه اتفافی مشخص و یا استنادی آشکار به اتفاقات تاریخی سروده باشد؛ اما این بدان معنا نیست که نیما نسبت به حوادث و اتفاقات اطرافش بی‌اعتناست و واکنشی نسبت به آن‌ها ندارد، واقعیت این است که او دلبسته فضایل و خصایص انسانی است و انسان‌گرایی را اصل قرار داده است. نگاه نیما به انسان، وابسته به زمان یا مکان و یا نگرش و جهان‌بینی خاصی نیست و در صورت‌بندی انسان‌ها از نظر او به خود و دیگری تأثیری ندارد و انسان را به‌صورت عام می‌بیند.

به همان اندازه که در شعر نیما، انسان عام، بدون در نظر گرفتن معیارهای مقطعی در کانون صورت‌بندی خود و دیگری قرار می‌گیرد، در شعر شاملو، انسان سیاسی و با جهت‌گیری‌های مشخص و سامان‌یافته، معیار تمایز خود از دیگری

است (مختاری ۱۳۹۲: ۲۸۶). در اشعار نیما، هم به واسطه محوریت انسان‌گرایی و هم منش گفت و نوگرایانه برخی اشعار، تعامل و گفت‌وگو به‌عنوان یکی از شیوه‌های برخورد با دیگری موضوعیت می‌یابد. شعر نیما نه تنها از شعر کلاسیک فاصله می‌گیرد، بلکه نسبت به شعر مشروطه هم متفاوت محسوب می‌شود. از این منظر، جنبه‌های اجتماعی شعر نیما با جلوه‌های اجتماعی شعر مشروطه متفاوت است. شعر اجتماعی مشروطه صریح، هیجانی و شعارگونه است و نیاز روزانه را بیان می‌کند، لذا از جنبه‌های هنری محروم، و در محدوده زمان و مکان محصور می‌شود. اما نیما باتکیه بر دید زیبایی‌شناختی به جای رویکرد مشخص سیاسی - اجتماعی و با استفاده از ایهام و «رمز و راز»، شعر خود را فراهم می‌سازد و به اصطلاح معروف شعر خود را از تاریخ مصرف محدود دور می‌دارد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین مایه در شعر نیما، دید انتقادی و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های عام انسانی است. «نیما شاعری است فطرتاً امیدوار و متعهد ابلاغ و مبلغ تعهد، شاعری که دل‌بسته سعادتمندی بشری و با رسالت پیامبری است و متعهد است به رسیدن روزی که عن‌قریب از راه خواهد رسید و هر کس بانگ جرس فریادرس را خواهد شنید» (حقوقی، ۱۳۷۹: ۲۸). پس از کودتای ۲۸ مرداد و تقابلی که میان روشنفکران و حکومت به وجود آمد و محیط اختناق و خفقانی که در سطح جامعه وجود داشت، شاعران را به سمت شعر "سیاسی اجتماعی نمادگرا" سوق داد که نمونه آن را در بسیاری از اشعار نیما می‌توان دید. منطق مکالمه باختین این گونه است که گفتار همیشه به شرایط مکانی و زمانی و اجتماعی که ایجاد می‌شود، وابسته است و ارتباط کلامی، خارج از این روند، هیچ‌گاه قابلیت حدوث ندارد و غیرقابل درک و توضیح است. میخائیل میخائیلوویچ باختین (۱۸۹۵-۱۹۷۵م)، از بزرگ‌ترین و اثرگذارترین نظریه‌پردازان ادبی در سده بیستم و از برجسته‌ترین اندیشمندان در گستره علوم انسانی است. «نگاه اجتماعی باختین، بی‌تردید لزوم وجود «دیگری» را تقویت و ما را به پذیرش این مفهوم اساسی ناگزیر می‌کند. از نظر او، خارج از اجتماع، معنایی وجود ندارد. هیچ گفتاری تنها به‌گفته‌شده مربوط نیست و «دیگری» به‌عنوان مخاطب در شکل‌دادن به معنا دخیل است. حضور دیگری آن‌چنان نیرومند است که در شخصی‌ترین اعمال مثلاً خودآگاهی یا حدیث نفس هم از وجود مخاطب با نگاه «دیگری» داشتن به خود استفاده می‌کنیم» (تودوروف ۱۳۷۷: ۶۶).

الگوی تحلیلی این پژوهش، نظریه دیگربودگی باختین است که بخشی از منطق مکالمه او به‌شمار می‌رود و با مباحثی چون چندصدایی، تکرر آوایی، درک حضور دیگری و تفاوت به‌جای تقابل و تضاد سامان می‌یابد که این جستار در اشعار و زبان رمزگونه و نمادگرای نیما به‌دنبال تأثیر تغییر و تحولات سیاسی اجتماعی بر تعریف «خود و دیگری» است. روش این پژوهش براساس مدل توصیفی - تحلیلی است. یعنی پس از استخراج شاهدها از متون، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش نخست تعریف‌های کلی نظریه‌ها از منابع موجود استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. سپس جمع‌آوری شواهد مطابق با نظریات از میان متون مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در آخر تحلیل ادله و تحلیل موارد استخراج شده در دستور کار قرار گرفت. روش تحلیل داده‌ها تحلیل محتوا بود. به این ترتیب پس از انتخاب و بیان مسئله و اهداف پژوهش، سؤال و فرضیه، تعریف مفاهیم و تعریف جامعه آماری و ... داده‌ها مرتب و تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری می‌شود.

نتیجه‌گیری

نیما در دوره‌ای می‌زیست و یا به عبارت بهتر زندگی ادبی نیما در شرایطی آغاز می‌شود که به جهت انقلاب مشروطه و آشنایی با پیشرفت‌های اروپاییان فصل جدید و تغییر شگرفی در ادبیات فارسی به‌ویژه شعر، هم به لحاظ مضمون و

محتوا و هم در قالب و شکل، پدیدار می‌شود اگر پیش‌از این شاعران به امید دریافت صله و خلعت و یا امرامعاش در خدمت دربار، و درباری بودند و مدح شاهان را می‌سرودند و یا به‌خاطر تعلقات ایدئولوژیک و دینی مدیحه‌سرایی مذهبی می‌کردند با انقلاب مشروطه و تأثیر از ادبیات مدرن اروپایی، شعر و ادبیات در زمینه مضمون و محتوا پوست‌اندازی می‌کند و بیشتر سمت‌وسوی سیاسی و اجتماعی پیدا می‌کند و شاعران شعر را که از آن با عنوان ادبیات بیداری یاد می‌شود، برای آگاهی‌بخشی، آزادی‌خواهی و استبداد ستیزی به‌کار می‌گیرند و برابری، آزادی، حقوق زنان و کارگران، عدالت و ... از جمله واژگان جدیدی هستند که به شعر و ادب فارسی وارد می‌شوند. این تحولات فقط و فقط معطوف به مضمون و محتوا نیست اگرچه پیش از نیمه هم با انقلاب مشروطه تغییر سبک ادبی با گرایش به ساده‌نویسی و دوری از تکلف و مصنوع‌نویسی مشهود است؛ اما این نیمه بود که با قالب‌شکنی و گذر از سبک سنتی، یک تحول بنیادین و تاریخی در شعر فارسی با ابداع شعر نیمایی به‌وجود آورد. نیمه یوشیج با توجه به خفقان و استبداد زمان حاکم خود استفاده از زبان نماد و رمز را در شعر برمی‌گزیند. او هرچند در نقد سیاسی و اجتماعی چون فرخی یزدی بی‌پروا نیست و رمز و نماد در شعرش صرفاً بیانگر دیدگاه سیاسی وی نیست؛ اما با تطبیق سرایش اشعار و نمادهای تعبیه‌شده در شعرش می‌توان دریافت که وی در قبال اتفاقات جامعه دارای نظر است و گفت‌وگوهایی که اغلب در شعر او وجود دارد میان نمادهایی است که هرکدام یکی از خصایص انسانی را نمایندگی می‌کنند و همواره دوقطبی و صورت‌بندی میان «خود و دیگری» در زبان نمادین و اشعار او به‌صورت تقابل بین، ظالم و مظلوم، ارباب و رعیت، صاحب قدرت و زبردست، بروز و ظهور پیدا می‌کند و در یک کلام، شعر او بر مناسبات ارزش‌های عام انسانی بنا می‌شود و تقسیم‌بندی او جنبه ایدئولوژیک و دینی و یا سیاسی ندارد و در نظر نیمه، هرچیز و یا هر کس که همراه با ارزش‌های انسانی و اخلاقی باشد، «خودی» و اگر با مفاهیم انسانی در تضاد و یا تقابل باشد «غیرخودی» محسوب می‌شود و در مقابل آن می‌ایستد. نمادگرایی در شعر نیمه سبب شده است تا اشعارش مضمون آثار نقاشی برخی از هنرمندان دوره معاصر قرار گیرد.

منابع و مأخذ:

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۹۴). یا مرگ یا تجدد دفتری در شعر و ادب مشروطه. تهران: اختران.
- انگوری، جو و لوچر، مریم. (۲۰۱۲ق.). «نظریه‌پردازی اختلاف». مجله کاربردشناسی، شماره ۱۲، ۱۵۴۹-۱۵۵۳.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۷). خانه‌ام ابری است. تهران: سروش.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۷۷). منطق گفتگویی میخائیل باختین. ترجمه: داریوش کریمی، تهران: مرکز.
- حقوقی، محمد. (۱۳۷۹). شعر زمان ما ۵ نیمه یوشیج. تهران: نگاه.
- حمیدیان، سعید. (۱۳۸۳). داستان مسخ (روند دگرگونی شعر نیمه یوشیج). تهران: نیلوفر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی، چاپ نهم، تهران: آگاه
- (۱۳۹۰). با چراغ و آینه (در جست‌وجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران). تهران: سخن.
- طاهباز، کوروش. (۱۳۷۵). یوش. با مقدمه جلال آل‌احمد، چاپ دوم، تهران: معاصر.
- مختاری، محمد. (۱۳۹۲). انسان در شعر معاصر. چاپ دوم، تهران: طوس.
- موحد، ضیا. (۱۳۷۳). شعر و شناخت (مجموعه مقالات). تهران: مروارید.
- یوشیج، نیمه. (۱۳۷۰). مجموعه کامل اشعار سیروس طاهباز. تهران: نگاه.